

مذاکرات صلح؛ با پاکستان یا با طالبان؟

محمد اکرام اندیشمند

اگر یکی از راه های دست یافتن به صلح و ثبات در افغانستان مذاکره باشد، نکته اصلی قابل پرسش و بحث به طرف این مذاکره بر می گردد. مذاکره با کدام یک از دوطرف پاکستان و طالبان به صلح می انجامد؟

پاسخ به این پرسش به همان حد دشواری صلح در افغانستان، دشوار و پیچیده به نظر می رسد و دیدگاه های مختلف و متفاوت در این مورد ابراز می شود.

برخی ها گشایش کور گره صلح را در مذاکرات بین الافغانی می بینند و جستجو می کنند؛ نگاه و جستجوی که همچنان چشم ها را در انتظار نگهداشته و آرزوی صلح را به رویای دست نیافتنی و خواب تعبیر ناشدنی مبدل کرده است.

بعضی ها برجسته ساختن پاکستان در مذاکرات صلح و اهمیت دادن به اسلام آباد را در جنگ و صلح افغانستان یک خبط سیاسی تلقی می کنند که تبعات آن، کسب سود و باج گیری پاکستانی ها از جهان بر سر افغانستان است. به عبارت دیگر وقتی از پاکستان به عنوان عامل اصلی و مهم در صلح نام برده می شود و پاکستان، هم کلید دار صلح و هم صاحب قفل دروازه صلح معرفی می گردد، زمینه برای باج گیری پاکستانیها و تجارت بر سر صلح مساعد می شود. از این دیدگاه و تحلیل، کم بها دادن به نقش پاکستان در مذاکرات صلح و به جای آن تمرکز و تاکید به مذاکرات با طالبان، راه را برای باج گیری و تجارت پاکستان بر سر صلح و جنگ افغانستان می بندد و پاکستانی ها با مشاهده زیان خود در این بازی، رویکرد خود را از تخریب صلح در همکاری به صلح تغییر می دهند.

شاید رئیس جمهور غنی با توجه به ایجاد توازن میان دو دیدگاه متذکره در مذاکرات صلح با پاکستان و طالبان باشد که چند بار از صلح در دو سطح و دو طرف سخن گفت: با طالبان و پاکستان. آیا ایجاد چنین توازن و تعادل در مذاکرات صلح ممکن است؟ و آیا مذاکرات صلح در دو سطح و با دو طرف، به ثمر و نتیجه می رسد؟

اگر پاسخ این پرسش ها در تجارب پیشین مذاکرات صلح جستجو شود تا از آن تجارب در سیاست و خط مشی مذاکرات صلح استفاده گردد، به نتیجه مخدوش و بی حاصل بر می خوریم. نه توازن و تعادل بر سر مذاکرات صلح با دو طرف پاکستان و طالبان بصورت مجزا و در دو سطح شکل گرفت و نه این مذاکرات غیر شفاف و مخدوش صلح دروازه قفل شده صلح را بروی افغانستان باز کرد.

واقعیت آن است که طالبان به عنوان گروه نظامی و جنگجوی مخالف دولت افغانستان بدون کمک و حمایت پاکستان نمی توانند دوام بیاورند و وجود داشته باشند. مذاکره با طالبان بدون مذاکره و توافق با پاکستان بر سر مسایل مورد اختلاف و منازعه به نتیجه نمی رسد. اینگونه مذاکره تنها عمر دخالت و بازی دوگانه و چند پهلوی پاکستان را در افغانستان طولانی می سازد و زمینه را برای تجارت و باجگیری اسلام آباد از جهان بر سر افغانستان هم چنان مساعد می کند.

صلح و ثبات افغانستان در گرو رسیدن به توافق صلح با پاکستان است. حتی اگر این تلقی و برداشت از صلح به باج گیری پاکستان از جهان بیانجامد، که در این چهل سال انجامیده است، کوتاه ترین راه رسیدن به صلح و ثبات برای افغانستان فقط همین راه است:

مذاکره و توافق با پاکستان، و ضربات مرگبار و کُشنده بر طالبان تا به صلح گردن نهند و قانون اساسی افغانستان را بپذیرند.

